

تأثیرات شرق نزدیک و میانه

درست بیست و یکسال پیش از این یعنی در ژانویه ۱۹۲۹ میلادی یکی از فضلا و مستشرقین انگلیسی بنام سیر دنسن راس (۱) مسافرتی به معنی از کشورهای خاور نزدیک و میانه نموده و شرح مسافرت خود را در شماره ۱۳ مجله آسیائی (۲) لندن بتاريخ ژوئیه همان سال منتشر کرده بود در انتهای این مسافرت سیردنسن با پادشاهان و رجال دولت و فضلا و ادیبی کشورهای که سیاحت کرده و ملاقات نموده مصاحبه‌های طولانی بعمل آورده است و عمده‌ترین توجه وی مسائل مربوط بتعلیم و تربیت و ادبیات و دانشگاه و مدرسه و کتابخانه و امثال آن بوده است چون مطالب مورد بحث در سفرنامه سیردنسن با موضوع این نشریه مطابقت کامل داشت و حاوی نکات و اطلاعات متنوعی بود که ممکن است برای خوانندگان عزیز مفید واقع بشود سفرنامه را عینا ترجمه و در معرض مطالعه خوانندگان محترم قرار دادیم.

سیردنسن راس را بسیاری از ایرانیان می‌شناسند وی منتهی‌الوصاف در تاریخ و ادبیات ایران صاحب اطلاعات وسیعی بود و کتاب کوچکی از وی بنام (ایران و ایرانیان) ده دوازده سال قبل در طهران ترجمه و طبع شده است وی مدیریت

۱- Sire Denison ross.

۲- The Asiatic review.

مدرسۀ مطالعات شرقی، (۱) را به‌همه داشت و در انتهای جنگ جهانی اخیر در اسلامبول در گذشت اینک عین مقاله با شرح مسافرت مستشرق انگلیسی که مؤلف آنرا من باب تواضع بنا به جهت کوتاه بودن مدت مسافرت يك گردش (۲) یا تفریح می‌شمارد و نام آنرا «تأثیرات شرق نزدیک و میانه» (۳) گذاشته است.



روز ۱۴ ژانویه مادر اسکندریه از کشتی پیاده
 و درود به‌بصر
 شدیم و از روزنامه‌ای که بدستم افتاد مطلع شدم که بنا است
 من فردای همین روز در قاهره يك خطابه ایراد کنم بن خبر برای من خیلی
 ناگوار بود در روز بعد همین مکرر کرده بودند که در چه وضعی باید خطابه ایراد
 داد اگر چه در آن وقت من در آنجا نبودم اما موضوع خطابه را
 از دست ملاحظه نمودم و در آن وقت که در آنجا بودم

فردای آن روز در رفقت محمد خالد حسین
 قاهره و الازهر
 بیگ از فرماندهان اداره مؤسسات شرعی از
 جامع (الازهر) دیدن نمودم موضوعی که اسباب تعجب من گردید این بود که
 دیده یکنفر از طبقه افندیها (۴) با درس يك مدرسه از صنف الازهر شده است این
 اولین نشانه بود که معلوم می‌کرد که در مصر کارها در چه راهی سیر می‌کند
 ما داخل مدرسه شده و در یکی از حلقه‌های درس که در مسجد بزرگ منعقد

۱- School of oriental studies.

۲- Trip.

۳- Impressions from the near and middle east.

۴- Effendi class در مصر و سوریه و عرب صنف مأمورین دولت و تربیت شدگان به تربیت اروپائی را افندیه گویند و اصل آن هم از (افندی) است که در ترکی عثمانی بمعنای آقا استعمال میشد

شده بود به بیانات استادگوش دادیم با رئیس مدرسه هم قدری صحبت نمودیم این شخص رئیس الازهر که بتازگی معین شده نیست بلکه در غیبت وی عنوان نیابت او را دارد بعد از باز دید (الازهر) یکی از مدارس مهم استی آنرا که دارای (۸۰۰) نفر شاگرد است بازدید نمودیم.

از این قبیل مدارس شش تا موجود است که در آن موضوعات مختلفه از قبیل تاریخ و جغرافیا و اقسام آن تدریس میشود ولی لکنه خارجه در این مدارس هنوز تدریس نمیشود اصلاحاتی که در الازهر بعمل میآید یکی از مهمترین حوادثی است که در شرق اتفاق میافتد. عصر همان روز در ساعت چهار بحضور ملك فؤاد بار یافته و تا ساعت پنج و ربع مشرف ودم من در يك وضع مشغولی واقع شده بودم چونکه بنا بود که در ساعت پنج و نیم خطابه معهود را ایراد نمایم لازم شد قبل از آنی که حرفهای ماتمام بشود اعتذار نموده مرخص بشوم تا اینکه جماعتی را که در دانشگاه آمریکا برای استماع خطابه من حاضر شده بودند معطل نکرده باشم. باهمه اینها ما حجه ای را که من با ملك فؤاد بعمل آوردم یکی از مفیدترین مصاحبه هائی بود که من تا آنوقت با کسی نموده بودم وی برای تصدی شغل سلطنت تا اندازه ای تازه کار است چونکه بیشتر عمر او در ممالک بیگانه و با اشتغالات دیگر صرف شده است ولی او باندازه ای در مسائل حیات ملت خود و مخصوصاً در مسائل مربوط به تعلیم و تربیت وارد است که هر بیننده را مجبور به تحسین و احترام میکند اگر نمیترسیدم از اینکه مقاله من منحصر بیک موضوع واحدی نباشد شرحی وافی از افکار پادشاه مصر را در اینجا نقل مینمودم از آن رو فقط يك ربع از آن مطالبی که وی گفت اینجا بیان میکنم و بعضی مضایب نامه مجرمانه را من نمی توانم در ضمن این مقاله آشکار نمایم چونکه من یقین دارم که اگر وی خیال میکرد که من آنها را بطبیع خواهم رسانید هرگز

اظهار نمیکرد پس مطالبی را که برای شما میگویم چیزهای آشکار و عمومی است که فکر اعلیحضرت را درباره آنها بیان مینمایم او ابتدای صحبت خود را از پذیرائی عجیبی که از وی در لندن و لانکاشیر بعمل آورده بودند قرار داد وی همچنین گفت که تاریخ ممالک شرقی یکی از چیزهایی است که مورد علاقه کامل وی میباشد شاه گفت که در قاهره کتابخانه ای تأسیس کرده که در آن همه رقم اسناد مربوط بتاریخ شرق را جمع آوری نموده است از آن جمله است کتب خطی و عکسها و از تمام اسناد و مدارکی که راجع بمصر در ممالک خارجه موجود است وی نسخه هایی تحصیل مینماید و ترجمه آنها اطمینان ندارد همچنین با کمال جدیت سعی میکند که اوضاع الازهر را اصلاح نماید اخیراً یک نفر رئیس (شیخ الازهر) تعیین نموده که ملک را در اقدامات اصلاحی مساعدت نماید اراضی وسیعی در اطراف (الازهر) خریداری شده است که در آن کلاسهایی برای درس و اطاق خواب (حجره) بنا شود به عقیده ملک بایستی وضع فعلی تحصیل در الازهر اصلاح بشود که خلاصه آن اینست که طلاب در حلقه های سی چهل نفری در مسجد دور استاد می نشینند و بفاصله سی چهل یارد (۱) حلقه های دیگر تشکیل میشود و همه در آن واحد مشغول داد زدن میشوند بقراری که ملک اظهار نمود گاهی میشود که در آن واحد در مسجد دوازده یا چهارده حلقه درس منعقد میشود شاه میخواهد که در این اراضی تازه خریداری شده کلاسهایی ادبی درس بنا نماید و مسجد منحصراً جای عبادت باشد و اطاقهایی برای خواب درست خواهد شد که طلاب در آنجا بخوابند نه در حجره های پست در مقابل اظهار تعجب من که اینهمه اصلاحات چطور باسانی میتواند اجرا بشود اعلیحضرت فرمود که این اصلاحات مثل اینست که اجرا شده است چون طرز سابق کهنه و

خارج از مقتضای عصر گردیده است و کمتر مورد علاقه است علاوه بر آن من اصول تقسیم نان را هم عوض نموده‌ام در مصر مرسوم بود که اشخاص متدین در وقت مردن وصیت میکردند که مقدار معینی نان مابین استادان بطور روزانه تقسیم بشود این سهم نان را من مقرر داشته‌ام که تبدیل بوجه نقد گشته و مابین استادان تقسیم شود که هر طور خواستند خرج نمایند (این قانون گویا روز بعد از مصاحبه من تصویب گردید) اعلیحضرت بمصاحبه خود ادامه داده فرمود که دانشگاه الازهر مرکب از سه دانشکده خواهد بود

۱- دانشکده ادبیات (علوم عربیه)

۲- دانشکده حقوق (فقه)

۳- دانشکده مذهب (دین)

بنا بر این فارغ التحصیل‌های این دانشکده معلم ادبیات یا حقوق دان یا عالم دین خواهند بود وی امیدوار بود که بعدها تحصیل السنه خارجه را هم بتواند داخل برنامه تحصیل دانشکده نمایندوی همچنین فرمود که من يك نقشه‌ای تنظیم نموده‌ام که بموجب آن محصلین دانشکده مدتی در یکی از سفارتخانه مادر خارجه اقامت نمایند تا علاوه بر تحصیلات دینی که بدست آورده اند مردمان دنیا دیده و عارف بر اوضاع جهان هم بار آیند شاه گفت که از اینقرار تا ده سال دیگر دارای يك دانشگاه حقیقی خواهیم شد در آخر شاه فرمود که چرا شیخ الازهر مانند اسقف اعظم کانتربوری (۱) يك مرد مطلع و تحصیل کرده نباشد و من هیچ علتی نمی بینم که وقتیکه مسئله ترقی و تمدن پیش می آید لازم باشد که ما اصول و سنن قدیمه را کنار بگذاریم

۱- Archbishop of canterburi مهمترین رجل روحانی در تشکلات

من خود همیشه ملت انگلیس را که در حفظ سنن و آداب قدیمی و تاریخی خود سعی است بدیده تحسین مینگرم من (نگارنده) راجع باین مطالب آخری هیچ فکری نکرده بودم ولی صدور این سخنان از شخصی که اروپا را بخوبی می شناسد و از ممالک خارج از اروپا هم اطلاعات کافی دارد بسیار معنی دار است و رو به مرفته لایق آنست که در آن تفکر و تعمق بشود.

کسان میکنم که اینقدر ها از مصاحبه را میتوانم برای شما نقل کنم ولی برای اینکه منتظر شویم که سایر مطالب از چه قرار بوده است کافی است و جهت دیگر که این مصاحبه در کتابچه موشوعاتی که در اطراف وی در تبریز است موجود است و نسخ کثیرش را حکم قصد انجام دادن آنرا دارد نشان میدهد. اجمالاً ما بسیاری از مسائل تعلیم و تربیتی را مورد مذاکره کردیم و نام ولی مصاحبه مذکور در فوق من باب نمونه کافی است.

در دانشگاه آمریکا
در ساعت پنج و نیم من بدانشگاه رفتم تا
خطابه معهود را ایراد نمایم لرد لوید وعده
دیگری از سفرهای خارجه حاضر بودند نطقهائی اول بزبان عربی و بعد بانگلسی ایراد گردید اصلاً غالب اوقات این سیاحت مختصر من یا صرف مصاحبه شد یا صرف نطق و خطابه روز بعد که مصادف با ۱۷ ژانویه بود در دانشگاه یا جامعه (۱) خطابه قرائت نمودم مستمعین خطابه من عبارت بودند از تقریباً سیصد نفر محصل و یکمده هم از رجال علم و ادب از قبیل طه ح-ین (۲) مؤلف مشهور ناپینا و عزام نطقهائی بعربی ایراد نمودند موضوع خطابه من تاریخ الفباء علوم و اصل منشا الفبای عرب بود.

۱ - این جامعه غیر از دانشگاه آمریکائی است و غیر از دارالعلوم است که مدرسه دارالعلومین میباشد.

بعد يك ضیافت چائى بافتحجار من توسط مهاجرین ایرانی
 ایران‌بان در مصر در خانه میرزا مهدی بیگ داده شد پدر وجد میرزا
 مهدی بیگ قبل از وی رئیس تجار (ملك النجار) ایرانی قاهره بوده اند
 این خانواده عملاً قاهره ای شده اند اما ایرانیان وطنپرستی مانده اند در
 این ضیافت چائى از ما پذیرائی غربیى بعمل آوردند در تمام مدتی که ضیافت ادامه
 داشت تقریباً همه حضار نطق نمودند یا عربی یا فارسی یا انگلیسی مسئله بزرگی که
 همه راجع بآن علاقمند بودند عبارت بود از تبدیل الفباء بلاتین (۱) بکافرجوان از حضار
 پرسید آیا راست است که شما بظهران میروید که الفبای ایرانی را بلاتین
 تبدیل کنید؟ گفتم نه گفت درنصورت چرا روزنامه ها اینطور مینویسند گفتم
 جواب این سوال را در حضور این همه روزنامه نگار نمی توانم بدهم حقیقه هم
 در آن مجلس خیلی از آنها حاضر بودند.

شب من برای بازدید یکی از دو مدرسه شبانه مجانی که
 مدرسه اکابر بتوسط ملك فؤاد تأسیس شده است رفتم محل تأسیس این
 دو مدرسه خانه هائی است که ملك شخصی شاه است و
 وی تمام مخارج را بعهده گرفته است یکی از آنها را که من بازدید نمودم
 دارای ۵۰۰ نفر شاگرد بسن های مختلف بودند در این مدرسه عمده ژوگرافی
 و نقاشی و حسن خط تعلیم میشود معلم حسن خط بکنفرترك بود که باوجود
 اینکه ۲۵ سال است که در قاهره زندگانی میکند هیچ عربی نمیداند من
 با ترکی شکسته خودم مقداری با وی تفریح نمودم تحصیل در این مدرسه
 مجانی است و تنها شرط ورود کارگر یا کاسب بودن است گمان نمیکنم
 که خوانندگان من از وجود این مدرسه ها مطلع بوده باشند.

روز ۱۹ ژانویه يك مصاحبه مفصل با محمود نخست وزیر پاشا نخست وزیر بعمل آوردم وی چنانکه معلومست از فارغ التحصیل‌های بالیول (۱) است من خیلی خوشوقت شدم از اینکه وی بدریافت درجه افتخاری از دانشگاه قدیم خود نایل شده بود وی اظهار میکرد که دفعه اول که وارد او کسفورد شد در امتحان عربی رد شده بود چون در حلو وی کتابی گذاشته بودند که تا آنوقت آنرا نخوانده بوده ولی در دفعه ثانوی موفق شده بود محمود پاشا يك مرد محبوبی است و من صحبت‌های مفصل و خوش آهنگی با وی نمودم.

۲۰ ژانویه ما قاهره را با ترن ترك نمودیم و فردا صبح به بیت المقدس فلسطین رسیدیم در بیت المقدس چیزیکه مرا بیشتر علاقمند نمود دانشگاه یهودیها بود البته ما جاهای دیدنی در بیت المقدس خیلی دیدیم در انجیل و تورات هیچ حادثه ای نیست که برای آن محل مخصوص تشبیه نکرده باشند و در این خصوص عقیده علمای حفریات و آثار عتیقه راهم لازم نسرده‌اند ما يك راهنمای اورتودکس مذهب داشتیم که ادله و نظریات ما در پادشاه کونستانتین (۲) را قطعی و مسلم میدانست هر جایی را که وی معین کرده بود که محل وقوع فلان حادثه است برای وی و سایرین تعبدال لازم بود قبول کنند بهمین قرار ما محل وقوع هر حادثه را زیارت نمودیم آنچه جلب دقت مرا نمود جنبه متجدد بیت المقدس بود دانشگاه يك مقر عجیبی در کوه اسکوپوس (۳) دارد بنای دانشگاه هنوز تمام نشده است ولی در آینده یکی از قشنگترین دانشگاه‌هایی خواهد شد که دارای یکی از عالی‌ترین کناخانه

۱ - Balliol از کالج‌های او کسفورد

۲ - Constantine پادشاه اسبق یونان که در جنگ با ملبیون ترك شکست

خورده مخلوع گردید

۳ - Skopos

های دنیاست و این کتابخانه گنجایش چهارصد هزار جلد کتاب را خواهد داشت ما قسمت عربی دانشگاه را فعلاً که در مرکز شهر جا داده شد است بازدید نمودیم کتابخانهٔ پروفیسور گولدزیهر (۱) را برای این قسمت خریداری کرده اند و چهار یا پنج استاد معین نموده اند که در شعبه های مخصوص مشغول مطالعه و تتبع هستند دو موضوع عمده ای که در قسمت ادبیات عرب پروفیسور ها بانجام آن مأمور هستند یکی جمع آوری کامل شعرای عرب تا زمان بنی امیه است و یکی دیگر طبع اثر نادری است بنام انساب الاشراف تألیف بلاذری مورخ مشهور که کنایی از سنخ اغانی است ظاهراً شش نفر برای بانجام رسانیدن این اقدام مهم شب و روز کار میکنند جمع آوری شعرای عرب در روی کارت بعمل میآید اطاقهای بزرگی پر است از کارتها که در آنها مطالب عیناً نقل شده و به ماخذ آنها طالب چه کتاب چاپی و چه خطی اشاره شده است .

بعد ما مسجد الحرام (۲) را که محل معبد حضرت سلیمان است با مسجد عمر و مسجد الاقصی زیارت نمودیم مسجد در اثر زلزلهٔ سال ۱۹۲۷ بسختی صدمه دیده بود لیکن بیت المقدس که قبلهٔ اول مسلمین است چنان مورد احترام عمومی است که يك قسمت مهمی از مبالغ لازمه در مخارج تعمیر توسط مسلمانان هندوستان پرداخت شد این مسجد صلیبی شکل اصلاً کلیسا بود که بعداً بمسجد تبدیل شده است روز دیگر ما بایک اتوموبیل بطرف طبریه حرکت نمودیم از ناصره و ساماریا (سامره) و نابلس عبور کردیم نابلس هم از زلزلهٔ اخیر صدمه دیده است من گمان نمیکنم که بیش از صدوپنجاه نفر از سامریها (۳)

۱ - Goldzihr

(۲) کذا ، مسجد العرام در مکه مکرره است .

(۳) Samaritains بقایای پیروان يك مذهب قدیمی هستند که فعلا در شرف

انقراض است .

باقی مانده باشند و آنها تماماً بی‌خانمان شده بودند علاقمندی من بآنها از اینجا ناشی گردید که راهب پیر آنها آن وقتی که من در قاهره بودم بآن شهر آمد و عرضحالی هم همراه آورده بود که برای سامریهای بی‌خانمان اعانه جمع‌آوری نماید تا خانه‌های خود را تعمیر نمایند اتفاقاً اشتباه نموده پیش من آمده بود من هم دو نفر از مسوولان را که ساکن شفر دلدن بودند معرفی نمودم راهب پیر خیلی خوشحال از نزد من رفت گمان میکنم آن دو شخص هم خوشحال خواهند شد از ظریفه خارج شده ساحل مغربی دریاچه را پیش گرفتیم در اثر طوفانی که برپا بود دریاچه خیلی بزرگ بنظر می‌آمد اساساً تصور دریاچه با تصور طوفان لازم است و علت آن یکی از سرودهای معروف ما است.

مادر طول يك جاده بسیار بدی بطرف سرحد فلسطین و سوریه سزیه واقع در نهر اردن راه پیمائی نمودیم رودخانه را از بالای يك پل قدیمی بسیار زیبایی عبور نمودیم نزدیکی این پل چندین جنک مابین صلیبی‌ها و مسلمین واقع شده و در یکی از آنها که در سال ۱۱۷۸ اتفاق افتاده صلاح‌الدین خودش حاضر بوده همینکه از پل گذشتیم باران برف مبدل شد بعد از طی يك ساعت راه راننده اظهار داشت که از کثرت برف جاده را نمی‌تواند تشخیص بدهد بنا بر این مصمم شدیم که به‌عقب برگشته و روی خطی که با آمدن خودمان بر روی برف ایجاد نموده بودیم حرکت نمائیم درست يك ساعت طول کشید تا اینکه ما با يك بیل و يك بارو سر ماشین را بر گردانیم اگر برای شما هم اتفاق بیفتد که يك ماشین بزرگ بيوك (۱) را که در برف گیر کرده باشد بر گردانید در حالی که باز سرد طوفانی هم میوزد خواهید

دیدیم که بک تمرین و ورزش بسیار خوبی است ما مراجعت نمودیم ولی همینکه به اردن رسیدیم دیدیم که یک اتوموبیل از بالای تپه روپاتین پیش میآید خطی را که این ماشین بر روی برف جا گذاشته بود مورد استفاده قرار داده و دوباره سر ماشین را برگرداندیم و در نتیجه ساعت چهارم محل موسوم به (کینیترا) (۱) رسیدیم در این محل ما عدای از ماشینها را دیدیم که از کثرت برف توانسته بودند حرکت نمایند و در آنجا معطل مانده بودند.

در دمشق من فدوی در کتابخانه سلطنتی (۲) مکث نمودم بعد مسجد بزرگ را زیارت نمودم.

در کتابخانه سلطنتی یکمده از کتب خطی مهم را ملاحظه نمودم مسجد بزرگ را هم زیارت کردم من هرگز در عمر خود آنقدر فرش قالی ندیده بودم حقیقه تماشای عجیبی بود ما از دمشق به بغداد را در یکی از اتوبوسهای شش چرخ (نیرن) (۳) مسافرت نمودیم.

در بغداد من در مجلس پذیرائی که توسط مزاحم بغداد و رستوران

بیگ پاچه چی (۴) در رستوران مهمانخانه مود (۵) تشکیل داده شده بود حاضر شدم در رستوران ده تا میز ترتیب داده بودند که سر هر میز ۸ یا ۱۰ نفر نشسته بودند که عبارت بودند از شعرا، روزنامه نگاران، فیلسوفها، معاین، و روحانیون، ضیافت ساعت سه بعد

۱- Kipeitra

(۱) سوریه که در زمان این مسافرت بک جمهوری نیمه مستقلی در تحت حمایت و اداره جمهوری فرانسه بود وجهی برای سلطنتی بودن کتابخانه معلوم نشد.

۲ - Nairn

(۴) این شخص فعلا وزیر امور خارجه عراق است

(۵) Maude که بنام ژنرال فاتح بغداد موسوم شده است.

از ظهر شروع شد و تا ساعت ۷/۵ من بسر تمام میزها رفته بودم مادر باره هر چیزی که در زیر آسمان است صحبت کردیم از عمر خیمام گرفته تا به سینما، و همه حضار مزاحم بیگ باچه چی را از این ابتکاری که بخرج داده بود تیریک گفتند من نمیگویم که این ابتکار مشار الیه اولین ابتکار در عمری میباشد ولی تقریباً باین عمل خود مزاحم بیگ یک کلوب تأسیس کرده بود بدون اینکه ملتفت باشد و من شخصاً از وی ممنون هستم که این فرصت عجیب را برای من فراهم آورد تا من بتوانم اینقدر جمعیت را در یک عصر ملاقات نمایم.

روز دیگر ما موزه را که بتوسط ژرترود بل (۱) تأسیس شده است زیارت نمودیم میستر سیدنی اسمیت (۲) را که از اعضای موزه بریتانیا است در آنجا یافتیم بعد از ظهر به ملاقات پرآناستاز (۳) کشیش کلیسای سن ژوزف رفتیم.

در بغداد تمام کلیساها نزدیک یکدیگر واقع هستند و همه جمعیتهای مختلف عیسوی در یک محله زندگانی میکنند چونکه در دوره های سابق آنها جرئت نمیکردند به دورترها سپر نموده خود را بمعرض خطر اندازند و از این رو کلدانیها ارمنیها، کاتولیکها و آسوریها همه در یک محله متراکم شده اند و هر یکی دارای کلیسای مخصوصی است از برج کلیسای پرآناستاز بهتر از هر جای دیگری منظره بغداد را میتوان تماشا نمود وی ۶۰ سال است که در آن کلیسا زندگانی میکنند و مطلبی مربوط ببغداد نیست که از آن اطلاع نداشته باشد وی از بالای برج کلیسا تمام چیزهای تماشا کردنی را

۱- Gertrud bell بانوی سیاح و مستشرق انگلیسی

۲- Sidney smith

۳- Pere Anastase

برای من نشان داد یکی از آنها قبر عبدالقادر گیلانی بود در هندوستان مخصوصاً در بنگاله تقریباً همه مسلمانانی را که من می‌شناختم قادری مذهب بودند یعنی بیرون طریقه این مرد مقدس بودند

اما فقط در ایستگاه پسره از يك مأمور محلی که وظیفه داشت که زوار هند را پذیرائی نموده و ببفداد روانه نماید کسب اطلاع نمودم که چه اندازه زوار بزیارت قبر عبدالقادر گیلانی میروند همه مردم از زوار کربلا و مکه اطلاع دارند اما موضوع زیارت قبر گیلانی که برای اداره آن مجبور شده اند يك ماء ورم مخصوصی تعیین نمایند برای همه گمان نمیکنم معلوم باشد.

از جمله مطالبی که پرآناستاز بیان نمود این بود که تنها برجی که از قرن ۱۳ مسیحی باقی مانده است اخیراً ثابت شده است که بتوسط هلاکو ساخته شده است یعنی همان مغول ظالمی که بفداد را با خاک یکسان کرده است.

طرف عصر در مجلس ضیافت چایی که توسط وزیر فرهنگ در يك خانه خصوصی ترتیب داده شده بود حاضر شدیم در آن جا من وزنم ، یکمده از بانوان عراقی را ملاقات نمودیم و آنها خوب لباس پوشیده بودند و اغلب آنها خوش ترکیب بودند و همه آنها خیلی خوب صحبت مینمودند.

من در بفداد بتحول و ترقی لسان عربی خیلی علاقمند
ترقی و اصلاح

شدم چونکه تحولات فعلی يك تغییر و تبدیل است از

زبان عربی

ترکی بربی ، تمام مردمان کم و بیش مسن در عراق

ارباب علم و فضل و افسران نظام بطریقه و اصول ترکی تربیت شده اند

جالا تمام مساعی برای ترقی دادن زبان عربی بکار برده میشود و در

موارد بسیار زبان عربی بعنوان يك زبان خارجی (۱) تحصیل میشود درست همانطور که زبان انگلیسی را صاحب‌منصبان هندی تحصیل مینمایند ولی در مورد عرافها بین زبان محاوره و لسان مورد تعلیم و تعلم بیشتر قرابت و اشراك در اصل موجود است این مسئله از اینجهت قابل توجه است ^۱ فیه فیه لسان از یک لحاظ جدیدی بدست گرفته شده و ممکنست بعضی اصلاحات را در آن وارد نمایند، اصلاحات متصوره راجع به رسم الخط نیست بلکه مربوط به ساده کردن زبان است. باعده‌ای از این اصلاح ضلطان که من در بغداد صحبت نمودم همه آنها را خیلی متمایل باصلاح زبان کنایی یا فصیح دیدم و آرزو میکردند که هر جا که ممکن باشد علائم صرف و نحوی را از آخر کلمات حذف کنند و عقیده داشتند که در جایی که مطلب و مراد متکلم معلوم باشد دیگر بقواعد نحوی نباید بیش از حد اهمیت داد میخواهند مسئله تشبیه و جمع را که در عربی کتابی و فصیح اسباب وحشت عمومی است اصلاح نمایند.

بازار بغداد مخصوصاً دیدنی است مخصوصاً بازار مسگران در آنجا بچه‌های کوچک نه تنها بادها آتش را نیز میکنند بلکه سختترین کارها را هم متحمل میشوند بچه‌ها چکشهایی را که دو مقابل قد آنها است بدست گرفته و شدت میکوبند و نوعاً باجدیت مشغول کار هستند آنها صنعت خود را از کودکی یاد میگیرند و خیلی هم خوب یاد میگیرند و اساساً در بغداد عادت بر این جاری است که کودکان از خردسالی شروع بشاگردی و تعلم صنعت مینمایند و کارهای پر مشقت را متحمل میشوند.

(۱) گویا مقصود مؤلف از این تعبیر اشاره باین نکته است که زبان عربی که

امروز عربهایان تکلم میکنند بقدری با عربی فصیح و کتابی فرق پیدا کرده که بمنزله دواسان مختلف گردیده اند

از بغداد با ترن اعزام بصره شدیم ایستگاههای عرض
 در راه بصره
 راه عبارت بودند از حله، کربلا و واوره (۱) در انتهای
 مسافرت بین بغداد و بصره بیشتر از تمام ایام مسافرت مان از زندگی بدویها
 را دیدیم در تمام طول راه کنار راه آهن اردوهای بدویها دیده میشدند بعضی سوار و
 بعضی پیاده هر قسمت از زندگی بدویها قابل دقت است و مثل اینست که از زندگی گانی
 يك بدوی باشناسانی هم عمیقتر میشود خیلی غریب است که آنها آن لباس و
 بالا پوش (۲) بلند را میپوشند در صورتیکه چنین بنظر میآید که آن قسم
 لباس برای طوفانهای گرد و خاکی که مبتلا به آنهاست غیر مناسب است اما
 لابد آنها خودشان بهتر میدانند و من خیال میکنم که آن لباسها يك قابم مقام و
 عوض خوبی است برای خیمه و چادر آدم باید از يك بدوی بشنود که این
 لباسها همان طور که دافع گرما هستند دافع سرما هم میباشند چونکه سرمای
 صحرا در چند ماه از سال هولناک است باد بسیار سردی میوزد و در آنجا
 مطلقاً چیزی برای پناهگاه پیدا نمیشود حالا که بنا است لباسهای خود را
 هم همراه ببرند چه بهتر آنها را در تن خودشان حمل نمایند که در مدت چندین
 ماه احتیاج مبرمی بچیزهای گرم خواهند داشت.

پس از آن ما با ترن رسیدیم به بصره که البته در
 به ره و کشتیرانی ذهن آنهاست که بتاریخ شرق علاقمند هستند خاطرات
 افسانه آمیزی بیدار میکنند در بصره اوضاع کشتیرانی تقریباً بهما قرار است که
 در زمان خلافت عمر بوده است استثنائی که راجع بآن موجود است کشتیهای
 بخاری جدیدی است که از طرف خلیج فارس وارد بندر میشوند در بصره

۱- ۲

(۲) ضاهرأ مراد مصنف عباس است که عربها مخصوصاً باده نشین ها بیوشیدن آن

بلم معمول است که خیلی شبیه است به گوندولا (۱) و یک قسم کشتیهای بادی کوچکتر از بلم هم معمول است که به (مچیله) موسوم است.

علاوه از آنها باگالا هم معمول است که خیلی به کشتیهای پرتگالی موسوم به کاراول (۲) شبیه است که دارای قسمتهای جلوی و عقبی خیلی بزرگ میباشد و قسمت جلوی قدری بلندتر از قسمت عقبی است بادی بدن آنها انسان قهراً تصویر و نقاشیهای قدیم را بیاد میآورد این باکالاها نوعاً برای حمل و نقل خرما استعمال میشود منظره عمده شط العرب که از بصره بطرف خلیج جاری است جنگلهای بزرگ نخل است امتیاز این منظره اینست که همه درختها یک قد هستند و این قضیه هم باعث شده است که صحنه تا اندازه ای یک نسق گشته و کمتر تماشائی باشد حتی این بطوطه هم ذکر میکند که وی در نزدیکی بصره آنقدر که درخت خرما دیده در جای دیگر ندیده است از بصره بطرف آبادان رهسپار شدیم اینجا مرکز اداره شرکت

آبادان نفت ایران و انگلیس است تصفیه خانه نفت هم در این شهر واقع است این محل سابقاً یک قسمت از زمینهای ساحلی لجن زار بود که حالا یک قسمت از آن بیک شهر مدرن و مشجر مبدل شده است و در یک قسمت دیگر کارخانه عظیم و فعالی واقعست و قسمت سوم عبارت از یکی از غم افزا ترین شهرهای آسیائی است این شهر یک دلیل قاطعی است که نمونه و سرمشق هیچ فایده ندارد چون باوجود اینکه محله اروپائی در دسترس واقع و ممکن بود سرمشق اتخاذ شود شهر ایرانی بطور قابل تأسفی بدترکیب است حتی در هندوستان هم یک قصبه هندی

(۱) Gondola یک قسم کشتی مسطح و مستطیل که با پارو روانه میشود مخصوصاً در ونیز ایتالیا معمول است.

(۲) Caravel کشتیهای چهار دکلی که در اسپانیا و پرتگالی معمول است کریستف کلمب آمریکا را با چهار کار اول کشف کرده است.

باین بد ساختی و نامحکمی ندیدم شهر دارای شصت هزار نفر نفوس است اما مثل اینست که بقدری اشتغال دارند که فراغت ننموده اند برای خود بیش از يك کلبه پناهگاه بنا نماید یکی از بناهای نادر آنجا که محکم ساخته شده است دبستان ابتدائی است در آنجا من يك گروهی از پسران کوچک با هوش را دیدم و چنان مینمود ترقی سریعی در تحصیل میکردند و در تصفیه خانه ها من يك لغت جدید فارسی یاد گرفتم و آن عبارت است از کلمه (ترای خانه) (۱) یعنی مدرسه برای نو آموزان و گمان میکنم این يك ترکیب امتزاج خوبی است

از آبادان ما بمحمره آمدیم که میشود گفت و نیز (۲) محمره و اهواز عالم شرق است اینجا یکی از قشنگترین جاهائی است که من در عمر خود دیده ام در یکطرف رودخانه، عمارتهای زیبایی بنا شده و در طرف دیگر باغهای خرما قرار دارد در تمام این مسافرت جائی باین قشنگی ندیدیم از محمره يك قایق موتوری بدست آورده و با آن در ۳۶ ساعت از محمره باهواز رسیدیم در صورتیکه همان فاصله را با اتوموبیل در سه ساعت و نیم میتوانستیم طی نمائیم اما لذت مسافرت در قایق بخاری بسیار است چون هرگز ناراحت و خسته کننده نیست و شخص در داخل آن خود را در امنیت احساس میکند و با آرامی سیر و سفر مینماید چیز هائیکه در ساحل دیده میشوند خوش آیند بنظر میآیند و مردمی که در دو طرف ساحل بنظر میآیند خیلی شاد و خندان جاوه میکنند. اهواز حالا ناصری نامیده میشود و يك شهر کاملا ایرانی است که دارای بازار کوچکی است که نسبت بسایر بازار هائی که من دیده ام کوچکتر و قشنگتر است در این شهر اشتغال و صنعت عمده خیاطی است بهر دکانی مراجعه میکنید می بینید خیاط است در اهواز ما

او این کلاه پهلوی را دبیرم و این کلاهی است که در ایران بموجب قانون هر مرد و پسر مجبور است بر سر بگذارد مجتهدین تصدیق شده یا روحانیون از این حکم مستثنی هستند در انصری من از چندین مدرسه دیدن کردم .

چیزهای آیرا که دیدم در راه تعلیم و تعلم بانجام میرسد مرا بسیار متعجب و متأثر نمود بچه های ایرانی بطور حیرت آوری با عوش هستند و با دیدن آنها من فوراً یقین حاصل کردم که الفبای ایرانی اشکال ناچیزی در راه تحصیل آنها ایجاد میکند چون دیدم که الفباء را در چهار یا پنج ماه کاملاً یاد میگیرند در يك دبستان يك چغه کوچکی که قدش بزحمت بنفخته سیاه میرسید با سرعت و بطور صحت این جمله را نوشت (از آمدن شما خوشحال هستیم) من باین نتیجه رسیدم که ایران هیچ احتیاجی برای قبول الفبای لائینی ندارد .

طهران

حادثه بزرگ ایام توقف ما در طهران مصاحبه با اعلیحضرت رضاشاه پهلوی بود که با نایل شدن بر آن من امتیاز پیدا نمودم وی مرا در اطاق کار خودش تنها پذیرفت و در باره موضوعات چندی که مربوط بتشویق تحصیل تاریخ و ادبیات ایران و مخصوصاً تأسیس يك کتابخانه عمومی بود صحبت نمود اعلیحضرت شخص بلند قد و دارای صورت قشنگ مردانه و موهای خاکستری با عضلات (۱) صورت محکم میباشد و اطوار وی بسیار ساده و موقر است و دارای صدای نرم و آرامی است مجموع مظاهر وجودیه وی در طرف تأثیر بسیار عمیقی میبخشد و شخص فوراً یقین حاصل میکند که وجود وی منبع قدرت عالی در مملکت است با وجود این وی در مملکت خود از همه بیشتر کار میکند اشخاصی که در زیر نظر وی کار میکردند

(۱) از اصطلاحات علم قیافه است عضلات محکم را در صورت علامت قوت عزم و

اظهار کردند که اگر ما ۱۲ ساعت کار میکنیم وی ۱۳ ساعت کار می- کند البته من باین صدد نیستم که همه مکالمه را اینجا نقل کنم وی ایدآلهای خود را برای من بیان کرد که از چه قرار است و چه چیزها را میخواهد برای ایران انجام دهد وی گفت که چقدر مشکراست که ب همه مردم فهماند نظم یعنی چه ؟ و از لزوم نظارت دقیق در کارها صحبت فرمودند از آن پس ما مسأله کتابخانهای عمومی و کلاه پهلوی و آخر از همه مهمانخانه ها را مورد مذاکره قرار دادیم من گفتم وقتی که هواپیمائی بیشتر از این شایع بشود طهران سیاحتان زیادی جلب خواهد نمود و از اینرو مبلغ کلی پول وارد مملکت خواهد شد مخصوصاً اگر يك مهمانخانه مناسبی (۱) هم موجود باشد راجع باین قبیل موضوعات ما خیلی صحبت نمودیم چنانکه از صحبت خودمان راجع بکلاه پهلوی میتوانم برای شما يك خطابه کامل تحویل بدهم ولی چون بنا را باخصار گذاشته ام از آن میگذرم.

در طهران من بیشتر از همه جا کتابهای خطسی عجیبی مخصوصاً کتابهای مربوط بتاریخ ذیدم هر قدر زمان پیش میرود ایران هم عوض میشود اما خوبست که این تغییر و تحول تدریجی باشد هیچ مسافر (خارجی) نباید از (جواز) یا مقررات عبور و مرور در مسافرت اتوموبیل شکایت نماید چون این مقررات چنان امنیتی در جادهها ایجاد کرده است که يك زن تنها میتواند مسافت بین طهران و صرحد عراق را باکمال خاطر جمعی با اتوموبیل سفر نماید و حال آنکه سابقاً برای هیچ اتومو بیلی این امنیت میسر نبود.

علاوه بر آن هیچ مسافر خارجی حق ندارد که از راه خود خواهی شکایت بکند که ایرانیها با کلاه پهلوی و لباس ساده و معمولی آنقدرها تماشاچی نیستند ایران مکلف نیست که خود را تماشاگردنی و اسباب تعجب

نگاه دارد ایران مصالح و منافع خور را تعقیب خواهد کرد و در نتیجه اگر کمتر تماشائی و عجیب باشد ما (سیگانگان) حق گله و شکایت نداریم چنین اتفاق افتاد بود که ایران یک وقتی تماشائی و عجیب بود ولی برای همیشه ممکن نبود که همانطور بماند.

شاه و وزرای وی دارای یک روح نشاط حقیقی برای سمی و کوشش به میزان خیلی عالی میباشند فقط لازم است که این روح بجماعت و سرانجام بتوده های ملت هم سرایت و نفوذ نماید.

پایان

ذیل

چنانکه خوانندگان محترم ملاحظه فرمودند در مسئله الفبا در کشورهای شرقی زمان مسافرت سیردنسن راس یکی از مسائلی که در ممالک شرق نزدیک و میانه موضوع بحث و گفتگو واقع میشود، مسئله خط و الفبا بوده است و معلوم میشود که این کیفیت منحصر به ممالک شرق نزدیک و میانه نبوده بلکه در هندوستان و چین و حتی ژاپن هم که همه آنها دارای خطهای مخصوص بخودشان بودند مسئله تغییر خط و قبول الفبای لاتینی (۱) مورد بحث و مطالعه بوده و عده ای موافق و عده ای مخالف داشته است (سیردنسن) نظر خود را راجع به الفبای لاتینی و ایرانی در ضمن سفرنامه ای

۱- Alphabet Latin مراد از الفبا یا خط لاتین مرجا که ذکر میشود همان خط معمول در فرانسه و انگلیس و آلمان و اغلب ممالک اروپائی است که دارای اشکال مختلف است و اصلاً از رومیها اخذ شده است و در مقابل آن خطها و الفباهائی است که از لاتین و رومی اخذ نشده مانند الفبای یونانی و روسی و الفبای ممالک آسیائی

که از لحاظ خوانندگان گرامی گذشت اظهار داشت و اتفاقاً بعد از گذشتن تقریباً چهار ماه از تاریخ این مسافرت یعنی در ژون ۱۹۲۹ موقع مناسبی برای مؤلف پیش می‌آید که از مشاهدات و اطلاعاتی که در اثنای مسافرت خمید دست آورده بود استفاده نماید و آن موقع مناسب عبارت بود از مجلس خطابه‌ای که (جمعیت هند شرقی) (۱) در عمارت کاکستون هال (۲) لندن منعقد نموده بود. در این مجلس که یکمده از فضلا و پیشوایان امور فکری و اجتماعی و فرهنگی انگلیس و هند حضور داشتند یک نفر از دانشمندان هندی بنام آلمان (المع) لطیفی خطابه‌ای را که قبلاً در زیر عنوان (یک خط ملی (۳) برای هندوستان) نوشته و حاضر کرده بود قرائت مینماید در خطابه خود آقای لطیفی اظهار عقیده میکند که باید در هندوستان خط و الفبای لاتینی با بعضی اصلاحات اضافه نمودن چند صدا و چند حرف که شکل آنها را خودش اختراع نموده است شایع شود و غیر از کتب مقدس مذاهب مختلفه که (باید بهمان خط معمولی سابق نوشته شود) تمام کتب و مطبوعات را با آن خط متحد الشکل لاتینی بنویسند و چاپ کنند و فوایدی را که از این عمل در مسئله تمهیم سواد و تسهیل ارتباط جمعیت‌های مختلف اللسان هندوستان متصور است بیان مینماید و برای تأیید مدعای خود نامی هم از میرزا ملکم خان (ناظم الدوله اصفهانی) و آخوند زاده (میرزا فتحعلی آخوندف) قفقازی میبرد که در زمان خودشان تفهیم مشابهی با ناطق داشته اند و همچنین به تغییراتی که در باره الفبا دوسه سال قبل در ترکیه و قفقاز بعمل آمده بوده اشاره مینماید.

بعد از خواننده شدن خطابه همانطوریکه در این قبیل مجالس خطابه رسم است چند نفر از حضار متناوباً بپاسخ آمده و در باره بیانات آقای

۱- The east india associations

۲- Caxton hall

۳- A National Script for India

لطیفی اظهار نظر میکنند بعضیها عقیده ناطق را تصویب و بعضیها بالعکس عدم موافقت خود را ابراز میدارند از جمله اشخاصی که در باره مطالب خطابه آقای لطیفی اظهار نظر میکنند و اتفاقاً راجع بآنها عقیده بکلی مخالف با ناطق داشته است سیردنیسن راس مستشرق معروف انگلیسی و نگارنده مقاله تأثیرات شرق نزدیک و میانه بوده که در جزو مستمعین حاضر مجلس بوده و درباره موضوعی که خود را در آن صاحب اطلاع میدانست و تجربه‌های تازه آن هم بدست آورده بود اظهار عقیده مینماید.

چون در بیانات خود سیردنیسن اشاره بمسافرت خود بشرق نزدیک و میانه نموده و مطالبی دوباره راجع بمصر و مخصوصاً راجع بمسئله خط و الفبا در ایران بیان میکند بطوریکه این بیانات تا اندازه هم ادامه و دنباله سخن در سفرنامه بودند مانقل بیانات مستشرق انگلیسی را در اینجا بعنوان سکه یا ضمیمه مناسب دیدیم که اینک از نظر خوانندگان محترم میگذرد

ناطق (سیردنیسن راس) بعد از اظهار خوشوقتی از اظهارات سیردنیسن اینکه وی آخر از همه صحبت میکند چنین گفت که من بخطابه و همچنین بزحمات و کوششهای آقای لطیفی بانظیر احترام مینگرم ولی باعقیده وی نمیتوانم موافقت نمایم و مطالبی که من در اینجا اظهار مینمایم متکی بهتجارب تازه است

اولاً راجع به ترکیه که خط خود را تغییر داده است صحبت میکنم اگر در دنیا یک لسانی بود که خط غیر مناسبی داشت همان لسان ترکی بود که باخط عربی نوشته میشد زبان ترکی را در این هشتصد سال اخیر با ۱۴ خط مختلف نوشته‌اند فعلی هذا این تغییر اخیر یک چیز تازه و غیر مهوردی نیست این خط لاتین که جدیداً مورد استعمال قرار گرفته است از هیچکدام از آن خط‌های چهارده گانه بدتر نیست اگر چه باندازه خط

ارمنی هم خوب نیست حالا آمدیم بسایر السنه اسلامی الفبای عربی مناسبترین الفبا است برای لسان عربی باید آن لسان با آن خط نوشته بشود و در این قضیه هیچ جای گفتگو و بحث نیست و من خودم طرفدار اصلاح الفباهای موجوده شرقی بودم اما در مسافرتی که اخیراً بایران کردم در قاهره ملتفت شدم که احتمال تغییر خط خیلی ضعیف است درست است که راجع بآن موضوع صحبت های فراوانی بعمل میآید اما دیدم که ملک فؤاد بهیچ وجه نمایی بآن ندارد منتهی تغییری را که شاه مصر میخواهد در الفبا بعمل آید وارد کردن کاپیتال (۱) یا حرف بزرگ در الفبای فعلی است در ایران بچه های بسیاری را دیدیم که با وجود آموزگاران غیر کامل و چون در ایران اولیای امور نمیتوانند معلمین خوب و کامل را وادار بکنند که بجنوب ایران بروند و فارسی را بسیار قشنگ مینویسند و من عقیده پیدا کردم که بچه های ایرانی خط فارسی را باهمان سرعت یاد میگیرند و مینویسند که بچه های انگلیسی خط انگلیسی را بعقیده من الفبای لاتین یکی از ناقصترین الفباهای دنیا است و در دنیا فقط دو الفبای کامل است یکی الفبای عربی و یکی الفبای روسی که کامل تر است حالا اگر بنا باشد که لهجه ها را در هندوستان اصلاح و ساده بکنند اول باید شروع نمایند که الفبا ها را ساده و اصلاح بکنند و بعد از آن الفبای ناگاری (۲) را بعنوان خط متحد الشكل برای تمام هندوستان قبول کنند مسلمین هم کتایهای خودشانرا

۱- Capital شکل حرف بزرگ در حروف مجا که اسماء خاصه و اول جمله ها

را با آن شروع میکنند و مرادف با ماژوسکول Naju scul است

۲- Nagari خطی است که با آن کتاب های مقدس هندوها نوشته میشود

در خطابه آقای لطیفی Devanagri ذکر شده است

با همان الفبای عربی بنویسند منتهی برای ارتباط با سایر اهالی هندوستان خط ناگاری را بعنوان يك خط درجه ۲ یاد بگیرند پس قدم اول در این راه اصلاح الفباها است و قدم دویم شایع نمودن خط ناگاری و من هرگز عقیده ندارم که استعمال خط مصنوعی (۱) انگلیسی را در سراسر هندوستان تعلیم دهند

